

ارتباط ابعاد سازش یافته و سازش نیافته خودشیفتگی با عشق: نقش واسطه‌ای بهوشیاری و خودمهارگری

عباس رحیمی نژاد^۱، سید محمدرضا رضازاده^۲، نیما قربانی^۳، مرضیه درخشان^۴

The relationship between adapted dimensions and unexplained compromise with love: the mediating role of self - care and self - control

Abbas Rahiminezhad¹, Seyed Mohammad Reza Rezazadeh², Nima Ghorbani³, Marzieh Derakhshan⁴

چکیده

زمینه: خودشیفتگی از عواملی است که باعث به وجود آمدن اختلاف میان زوجین می‌شود. اما مسئله اصلی این است، آیا بین ابعاد سازش یافته، سازش نیافته خودشیفتگی و عشق با نقش واسطه‌ای بهوشیاری و خودمهارگری رابطه وجود دارد؟ **هدف:** بررسی ارتباط ابعاد سازش یافته و سازش نیافته خودشیفتگی با عشق: نقش واسطه‌ای و بهوشیاری و خودمهارگری مردان و زنان متأهل شهر قزوین بود. **روش:** پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل افراد متأهل ۲۰ الی ۵۵ ساله ساکن در شهر قزوین بود، ۲۷۸ (۱۳۹ نفر مرد و ۱۳۹ نفر زن) به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار عبارتند از، مقیاس‌های مشکلات بین شخصی (هروتیز، روزنبرگ، بئر، آرنووویلاسنوز، ۱۹۹۸)، بهوشیاری (براون وریان، ۲۰۰۳)، عشق سه وجهی استنبرگ (۱۹۸۷) و نارسسیسم بزرگ منش (راسکین و هال، ۱۹۸۱-۱۹۷۹). داده‌ها با ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش بیشینه احتمال یا SEM تحلیل شد. **یافته‌ها:** ابعاد سازش یافته خودشیفتگی (اقتدار، کفایت، برتری، خودبینی و نمایشگری) با عشق همبستگی مستقیم و مثبت معنی‌داری دارد ($P < 0/05$)، ابعاد سازش نیافته (محق بودن و بهره‌کشی) نیز با عشق ارتباط منفی معنی‌دار و مستقیم دارند ($P < 0/05$)، بهوشیاری و خودمهارگری نقش واسطه‌ای در ارتباط میان ابعاد سازش یافته و سازش نیافته خودشیفتگی با عشق دارند ($P < 0/05$). **نتیجه‌گیری:** می‌توان برای کاهش خودشیفتگی از بهوشیاری و خودمهارگری بهره جست. **واژه کلیدها:** سازش یافته، سازش نیافته، خودشیفتگی، عشق، بهوشیاری، خودمهارگری.

Background: Narcissism is one of the factors that causes divisions between couples. But the key question is, is there a relationship between the adapted, the non-adapted dimensions of narcissism and love with the mediating role of self-awareness and self-control? **Aims:** To investigate the relationship between adapted and non-adapted dimensions of narcissism with love: The mediating role of self-care and self-control of married men and women in Qazvin. **Method:** This was a correlational study. The statistical population included married people aged 20-55 years living in Qazvin city, 278 (139 males and 139 females) were selected by convenience sampling method. Instruments include the Interpersonal Problem Scales (Herotis, Rosenberg, Beyer, Arnovovilenosen, 1998), Bushyari (Brown Verian, 2003), Stenberg's Triple Love (1987), and The Great Narcissism of Character (Raskin & Hall, 1981-1979). The data were analyzed using Pearson correlation coefficient and structural equation modeling by SEM. **Results:** Compromised aspects of narcissism (authority, adequacy, superiority, arrogance, and display) were significantly correlated with love ($P < 0/05$), and non-compromised dimensions (rightfulness and exploitation) were also negatively correlated with love. Directly ($P < 0/05$), self-awareness and self-control have a mediating role in the relationship between adapted and non-adapted dimensions of narcissism with love ($P < 0/05$). **Conclusions:** Self-control and self-control can be used to reduce narcissism. **Key Words:** Compromised, uncompromised, narcissism, love, self-awareness, self-control.

Corresponding Author: marzieh.derakhshan@yahoo.com

^۱. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۱. Associate professor, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran

^۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲. Assistant Professor, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

^۳. استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۳. professor, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran

^۴. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۴. Ph.D Student, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran

مقدمه

DSM5 افراد مبتلا به اختلال شخصیت خود شیفته را افرادی دارای انتظارهای بیش از حد، احساس متکبرانه‌ای از برتری و اهمیت، نیازمند به تحسین دیگران، بهره‌کشی در روابط بین فردی، نداشتن همدلی و پناه بردن به خیالپردازی‌های بزرگ مآبانه توصیف می‌کند. هم نظریه پردازان بالینی (اختر و تامپسون، ۱۹۸۲، کوپر، ۱۹۹۸، گابارد، ۱۹۸۹؛ به نقل از ترومپتر، واتسون و لری، ۲۰۰۸) و هم پژوهشگران این حوزه (دیکسون و پینکوس، ۲۰۰۳ و پینکوس و لاکوویتسکی، ۲۰۱۰). این تعریف را به کشاکش کشیده‌اند. آنها معتقدند خود شیفته‌گی پیچیده‌تر از آن است که با این دامنه صفات محدود تعریف شود. در مفهوم سازی‌های اولیه، نارسسیسم یا عشق به خود بر سازش نیافته بودن آن تأکید می‌شد و این دیدگاه در بیشتر تئوری‌های تحولی و تجربی اخیر نیز باقی مانده است. با این حال تحقیقات جدید نشان داده‌اند که نارسسیسم می‌تواند سلامت روانشناختی را پیش‌بینی کند (ترومپتر و همکاران، ۲۰۰۸).

دانستن این که "تحول خود"، فرآیندی پویاست، به درک این که نارسسیسم می‌تواند اشکال سازش یافته و سازش نیافته داشته باشد، کمک می‌کند (ترومپتر و همکاران، ۲۰۰۸) در تحلیل عوامل خودشیفته‌گی در پرسشنامه NPI^۱ یک ساختار چند بعدی، همراه با مفاهیم پیچیده سلامت روانی آشکار می‌شود. فاکتور بهره‌کشی - محقق بودن (E/E) ارتباط با سازش نیافته‌گی را پیش‌بینی می‌کنند. این در حالی است که رهبری - اقتدار (L/A)، برتری - خودبینی (S/A) و جذابیت خود - تحسین خود (S/S) اغلب عملکرد سلامت روانی بیشتری مانند ارزش خود را پیش‌بینی می‌کنند. این سه فاکتور سازش یافته هنگامی که فاکتور E/E کنترل می‌شود، ارتباط قوی‌تری را با سازش یافتگی نشان می‌دهند (واتسون، مک کینی، هاوکینس و موریس، ۱۹۸۸). در ادبیات پژوهشی مطالب رو به رشدی در ارتباط با خودشیفته‌گی و عشق وجود دارد. حجم وسیعی از تحقیقات انجام شده نقش خود شیفته‌گی را در روابط رومانیک بررسی کرده‌اند (تانچاس رینون، مانسری و کمپل، ۲۰۰۷). در تعریف عشق می‌توان گفت که بنیادی‌ترین نیاز روانی انسان است که موجب رشد سازمان روانی فرد می‌شود. همچنین می‌توان عشق را یک خصیصه شخصیتی انسانی در نظر گرفت که از طیف خود شیفته‌گی آغاز و به ظرفیت

عشق‌ورزی می‌انجامد. استنبرگ (۱۹۸۶) با نظریه سه وجهی خود، یک مفهوم سازی مهمی از موضوع عشق عنوان کرده است. مطابق با دیدگاه او عشق دارای سه مؤلفه صمیمیت، اشتیاق و تعهد (پذیرش ادامه زندگی با یکدیگر) می‌باشد. میزان وجود این سه عامل، نوع عشقی را که افراد احساس می‌کنند، مشخص می‌کند. از سویی، ویژگی اصلی افراد خود شیفته، ناتوانی آنها در عشق ورزیدن است. آنان این است که از دوست داشتن دیگران ناتوانند (هورنای، ۱۹۳۹). شواهد پژوهشی متعددی نیز ارتباط منفی بین خودشیفته‌گی با عشق و ارتباطات عمیق و صمیمی را نشان داده‌اند (چن، سوهن، جانسون، کیسن، اسنیدزوکرو، ۲۰۰۴، کریگ، ۲۰۰۳؛ به نقل از سات، ۲۰۰۶، تانچاس رینون و همکاران، ۲۰۰۷، صادقی، ۱۳۸۹).

اما از سویی دیگر، کوهوت معتقد است، خود می‌تواند در طول زندگی که تجربیات لازم برای تحسین شدن و تحسین کردن فراهم می‌شود تحول یابد (واتسون و همکاران، ۲۰۰۲). ایگو می‌تواند نیروگذاری خود شیفته را خنثی کرده آنها را برای اهداف عالی‌تری به کارگیرد (کوهوت، ۱۹۷۱؛ به نقل از واتسون ۱۹۸۴). خودشیفته‌گی می‌تواند در مراحل رشد یافته تر به عشقی غیر از خود متحول شود (نوری، ۱۳۹۴). از سازهایی که می‌تواند در این فرآیند تحول با اهمیت باشد، بهوشیاری است. بهوشیاری یکی از مؤلفه‌های فرآیندهای خودنظم‌جویی است که به عنوان یک فرآیند خودشناسی و مسیری سازنده برای تنظیم هیجان، به حفظ آگاهی لحظه به لحظه از موقعیت حاضر با حالتی پذیرا و غیر قضاوتی می‌انجامد (شایپر و کارلسون، ۲۰۰۹). تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که بهوشیاری همبستگی مثبتی با رضایت‌مندی از روابط عاشقانه دارد (یورپ و لانگر، ۲۰۰۷، واچس و کوردوا، ۲۰۰۷، بارنس و دیگران، ۲۰۰۷؛ به نقل از جونزو و دیگران، ۲۰۱۱). خودمهارگری نیز، یکی دیگر از فرآیندهای خودنظم‌بخش است که به ظرفیت فرد برای غلبه کردن و بازداری تکانه‌های غیرقابل پذیرش و نامطلوب و نظم دادن به رفتارها، تفکرات و هیجان‌ات خود اشاره دارد (تابخنی و همکاران، ۲۰۰۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند خود مهارگری به عنوان یکی از انواع توانش‌های فردی، می‌تواند میزان موفقیت در زندگی را تعیین کند و با روابط بین فردی مثبت (والشال و همکاران، ۲۰۰۵) و سازش یافتگی

^۱. Narcissistic personality inventory

کفایت، برتری، خودبینی و نمایشگری ابعاد سالم خودشیفتگی و خرده مقیاس‌های محق بودن و بهره‌کشی، ابعاد ناسالم خودشیفتگی را می‌سنجد. قابلیت اعتماد کل مقیاس ۰/۹۱ بوده و قابلیت اعتماد خرده مقیاس‌های آن به ترتیب، ۰/۸۷، ۰/۷۶، ۰/۷۸، ۰/۸۶، ۰/۸۶، ۰/۷۶ و ۰/۸۵ می‌باشد (فاستر و دیگران، ۲۰۱۵).

فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری (تانجنی، بامستر، بون، ۲۰۱۴): این مقیاس شامل ۱۳ سؤال است که در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (اصلاً) تا ۵ (همیشه) به سنجش گرایش خودمهارگری می‌پردازد (تانجنی، بامستر، بون، ۲۰۱۴). آلفای کرونباخ این پرسشنامه در نمونه ایرانی برابر ۰/۷۲ می‌باشد (قربانی و همکاران، ۲۰۱۴).

مقیاس بهوشیاری (براون وریان، ۲۰۰۳): این مقیاس ۱۵ سؤالی در یک طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از ۱ (تقریباً همیشه) تا ۶ (تقریباً هیچ وقت) به سنجش میزان بهوشیاری می‌پردازد. همسانی درونی این مقیاس در نمونه ایرانی مطلوب گزارش شده است (قربانی و همکاران، ۲۰۰۹).

مقیاس مشکلات بین شخصی (IIP-) ۶۰ مقیاس مشکلات بین شخصی فرم کوتاه مقیاس ۱۲۷ گویه‌ای مشکلات بین شخصی (هروتیز، روزنبرگ، بئر، آرنووویلاسنوز، ۱۹۹۸)، یک آزمون ۶۰ گویه‌ای است و مشکلات بین شخصی را در شش زمینه قاطعیت، مردم‌آمیزی، اطاعت‌پذیری، صمیمیت، مسئولیت‌پذیری و مهارگری در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره صفر تا ۴ (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، زیاد ۳، خیلی زیاد ۴) می‌سنجد. در قابلیت اعتماد فرم فارسی این مقیاس برای نمونه‌های دانشجویی (۱۵۹ دختر، ۱۱۲ پسر)، و جمعیت عمومی (۴۹۰ زن، ۴۳۴ مرد) ضرایب آلفای کرونباخ ماده‌های هر یک از زیر مقیاس‌ها از ۰/۸۶ تا ۰/۸۹ برای قاطعیت، از ۰/۹۰ تا ۰/۹۱ برای مردم‌آمیزی از ۰/۸۲ تا ۰/۸۴ برای اطاعت‌پذیری، از ۰/۸۳ تا ۰/۸۷ برای صمیمیت، از ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ برای مسئولیت‌پذیری، از ۰/۹۱ تا ۰/۹۲ برای مهارگری و از ۰/۹۳ تا ۰/۹۵ برای کل مشکلات بین شخصی محاسبه شد که نشانه همسانی درونی بالای مقیاس است (بشارت، ۱۳۸۸).

یافته‌ها

میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه نمرات هر متغیر در جدول قابل مشاهده است. نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف نشان می‌دهد که توزیع نمرات از حالت نرمال انحراف قابل توجهی

روانشناختی و روان‌درستی رابطه مثبت و معنادار دارد (تابخنی و همکاران، ۲۰۰۴). لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این مسئله می‌باشد که آیا بین ابعاد سازش یافته، سازش نیافته خودشیفتگی و عشق با نقش واسطه‌ای بهوشیاری و خودمهارگری رابطه وجود دارد؟

روش

روش پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را افراد متأهل ۲۰ الی ۵۵ ساله ساکن در شهر قزوین بود. از بین واجدین شرایط ۳۰۰ نفر (۱۵۰ زن و ۱۵۰ مرد) به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری پاسخ‌نامه‌ها آنهایی که به صورت کامل پر نکرده بودند، کنار گذاشته شد و در نتیجه نمونه به ۲۷۸ نفر کاهش یافت روش انجام پژوهش به این صورت بود، پرسشنامه‌ها بین افراد داوطلب در تعدادی از مراکز آموزشی، فرهنگی شهر قزوین توزیع شد و پس از توضیحات لازم در مورد نحوه‌ی پاسخ‌گویی به سؤالات از آنها خواسته شد به علت تعداد زیاد سؤالات در چند مرحله به آنها پاسخ دهند. قول ارائه‌ی نتایج به آنان داده شد تا به این وسیله انگیزه پاسخ‌گویی صحیح و با دقت افزایش داده شود. به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش در مورد محرمانه بودن اطلاعات به نمونه‌های پژوهش اطمینان داده شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از: گذشت ۱ تا ۲۵ سال از زندگی مشترک، داشتن حداقل سواد دیپلم. بدین ترتیب داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و در نهایت با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش بیشینه احتمال یا SEM به تحلیل یافته‌ها پرداخته شد.

ابزار

مقیاس عشق سه وجهی استبرگ (۱۹۸۷): این مقیاس بر این اساس تهیه شده است که عشق از سه عنصر صمیمیت، تعهد و اشتیاق تشکیل شده است. شامل ۴۵ سؤال می‌باشد. به منظور برآورد ضریب هماهنگی درونی این مقیاس، آلفای کرونباخ صمیمیت ۰/۸۵، تعهد، ۰/۸۷ و عامل اشتیاق ۰/۷۹ بدست آمده است. برای کل پرسشنامه هم ۰/۸۴ برآورد شده است (گنجی، ۱۳۸۱).

مقیاس نارسیسیزم بزرگ منش (راسکین و هال، ۱۹۸۱-۱۹۷۹) (GNS): این مقیاس یک پرسشنامه ۳۵ سؤالی است، که در یک طیف ۶ درجه‌ای لیکرت از بسیار مخالفم تا بسیار موافقم، تنظیم شده است. این پرسشنامه دارای ۷ خرده مقیاس است. خرده مقیاس، اقتدار،

داری دارد. رابطه عشق با ابعاد سازش نیافته خودشیفتگی معنی دار نبود ($r=0/10$, $P>0/05$). بهوشیاری با خودمهارگری ($r=0/25$, $P<0/01$) رابطه مثبت و با ابعاد سازش نیافته خودشیفتگی ($r=0/16$, $P<0/01$) رابطه منفی معنی دار داشت. رابطه بین بهوشیاری و ابعاد سازش یافته خودشیفتگی به لحاظ آماری معنی دار نبود ($r=0/05$, $P>0/05$). خودمهارگری با ابعاد سازش نیافته خودشیفتگی رابطه منفی معنی دار داشت ($r=0/16$, $P<0/01$). رابطه خودمهارگری با ابعاد سازش یافته خودشیفتگی معنی دار نبود ($r=0/05$, $P>0/05$).

ندارد. آزمون کلموگروف با استفاده از داده‌های ۴۰ شرکت کننده به اجرا در آمد. قابل ذکر است که در صورت لزوم، موارد دور افتاده متغیرها به مقادیر انتهایی تغییر یافتند تا انحراف توزیع نمره اصلاح شود. همبستگی متقابل متغیرهای پژوهش به روش گشتاوری پیرسون محاسبه شد. نتایج به شکل ماتریس همبستگی در جدول ۲ نمایش داده شده‌اند. همان گونه که می‌توان دید، عشق با بهوشیاری ($r=0/22$, $P<0/01$)، خودمهارگری ($r=0/19$, $P<0/01$) و ابعاد سازش یافته خودشیفتگی ($r=0/19$, $P<0/01$) رابطه مثبت و معنی

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش						
شاخص‌ها	شاخص‌های توصیفی					آزمون کلموگروف - اسمیرنوف
متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	آماره	سطح معناداری
عشق	۳۲۹/۴۴	۵۷/۱۱	۱۰۵	۴۰۵	۰/۱۰	$P<0/05$
بهوشیاری	۶۴/۵۸	۱۲/۴۲	۳۵	۱۴۶	۰/۰۹	$P<0/05$
خودمهارگری	۴۲/۵۶	۱۱/۷۰	۲۳	۸۶	۰/۱۱	$P<0/05$
ابعاد سازش یافته خود شیفتگی	۱۰۴/۱۲	۱۴/۵۵	۶۳	۱۴۲	۰/۱۲	$P<0/05$
ابعاد سازش نا یافته خود شیفتگی	۲۷/۱۳	۷/۶۹	۱۲	۶۰	۰/۱۴	$P<0/05$

جدول ۲. نتایج ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش				
متغیرها	۱	۲	۳	۴
عشق				
بهوشیاری	۰/۲۲**			
خودمهارگری	۰/۱۹**	۰/۲۵**		
ابعاد سازش یافته خود شیفتگی	۰/۱۹**	۰/۰۵	۰/۰۵	
ابعاد سازش نا یافته خود شیفتگی	-۰/۱۰	-۰/۱۶**	-۰/۱۶**	۰/۴۶**

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل							
X2	P	df	X2/df	GFI	GFI	AGFI	RMSEA
۲۱۹/۳۹	$P<0/01$	۷۱	۳/۰۹	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۱	۰/۰۶

احتمال استفاده شد. نرم‌افزار ایموس^۱ ۱۸ (آرپوکل، ۲۰۰۹) برای برآورد ضرایب اثر و شاخص‌های برازش مدل مورد استفاده قرار گرفت. پیش از اجرا و تفسیر تحلیل مسیر مفروضه‌های این تحلیل بررسی شدند. همان گونه که در بخش شاخص‌های توصیفی اشاره شد، توزیع تمامی متغیرها نزدیک به نرمال بود، بنابراین مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌ها رعایت شده است (هومن، ۱۳۸۸). خطی بودن روابط بین متغیرها نیز به عنوان یکی از پیش فرض‌های مدل‌های رگرسیونی مورد توجه قرار گرفت.

به منظور برازش بهتر مدل با داده‌ها مسیر کوواریانس خطای نشانگرهای هر متغیر با نشانگرهای خودش آزاد شد. قابل ذکر است که تنها مسیرهایی آزاد شدند که به لحاظ نظری و آماری توجیه پذیر بودند. مربع کای (X^2)، نسبت مربع کای به درجه آزادی (X^2/df)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل یافته برازندگی (AGFI) و ریشه دوم برآورد تغییرات خطای تقریب (RMSEA) در حد مطلوب بود. به هدف آزمون برازش مدل مفروض با داده‌ها و نیز برآورد ضرایب اثر مستقیم، غیر مستقیم و کل برای هر مدل، از شیوه مدل‌یابی معادلات ساختاری با روش بیشینه

^۱. AMOS 18

جدول ۴. ضرایب استاندارد رگرسیونی نشانگرها روی متغیرهای مکنون				
متغیر	نشانگر	ضریب استاندارد	نشانگر	ضریب استاندارد
بعد سازش یافته خودشیفتگی	اقتدار	۰/۵۳**	بهبوشیاری ۱	۰/۶۹**
	کفایت	۰/۴۴**	بهبوشیاری ۲	۰/۵۸**
	برتری	۰/۷۹**	بهبوشیاری ۳	۰/۷۰**
	خودبینی	۰/۳۹**	خودمهاری ۱	۰/۵۵**
	نمایشگری	۰/۴۷**	خودمهاری ۲	۰/۶۳**
بعد سازش نیافته خودشیفتگی	محق بودن	۰/۶۷**	خودمهاری ۳	۰/۴۹**
	بهره کشی	۰/۷۵**	صمیمیت	۰/۸۴**
			اشتیاق	۰/۹۲**
			تعهد	۰/۸۷**

مدل ساختاری است. همچنین در این جدول می توان ضرایب تبیین شده متغیرهای درونزا را مشاهده کرد.

همانگونه که می توان مشاهده کرد، همه نشانگرها روی متغیرهای مکنون ضرایب استاندارد شده مثبت و معنی داری نشان دادند (P<۰/۰۱). جدول ۵ نشان دهنده ضرایب مستقیم، غیرمستقیم و کل

جدول ۵. ضرایب تبیین شده متغیرهای درونزا را مشاهده				
مسیرها				
بر روی عشق از:	-	-	-	٪۱۲
بهبوشیاری	۰/۱۴۲**	-	-	٪۱۲
خودمهاری	۰/۱۴۲**	-	-	٪۱۲
بعد سازش یافته خودشیفتگی	۰/۲۶۴**	۰/۲۷*	۰/۲۹۱**	٪۱۲
بعد سازش نیافته خودشیفتگی	-۰/۱۷۲**	-۰/۵۸**	-۰/۲۳۰**	٪۱۲
بر روی بهبودیاری از:				
بعد سازش یافته خودشیفتگی	۰/۱۶۰**	-	۰/۱۶۰**	٪۵
بعد سازش نیافته خودشیفتگی	-۰/۲۳۵**	-	-۰/۲۳۵**	٪۵
بر روی خودمهاری از:				
بعد سازش یافته خودشیفتگی	۰/۰۳۱	-	۰/۰۳۱	٪۳
بعد سازش نیافته خودشیفتگی	-۰/۱۷۱**	-	-۰/۱۷۱**	٪۳

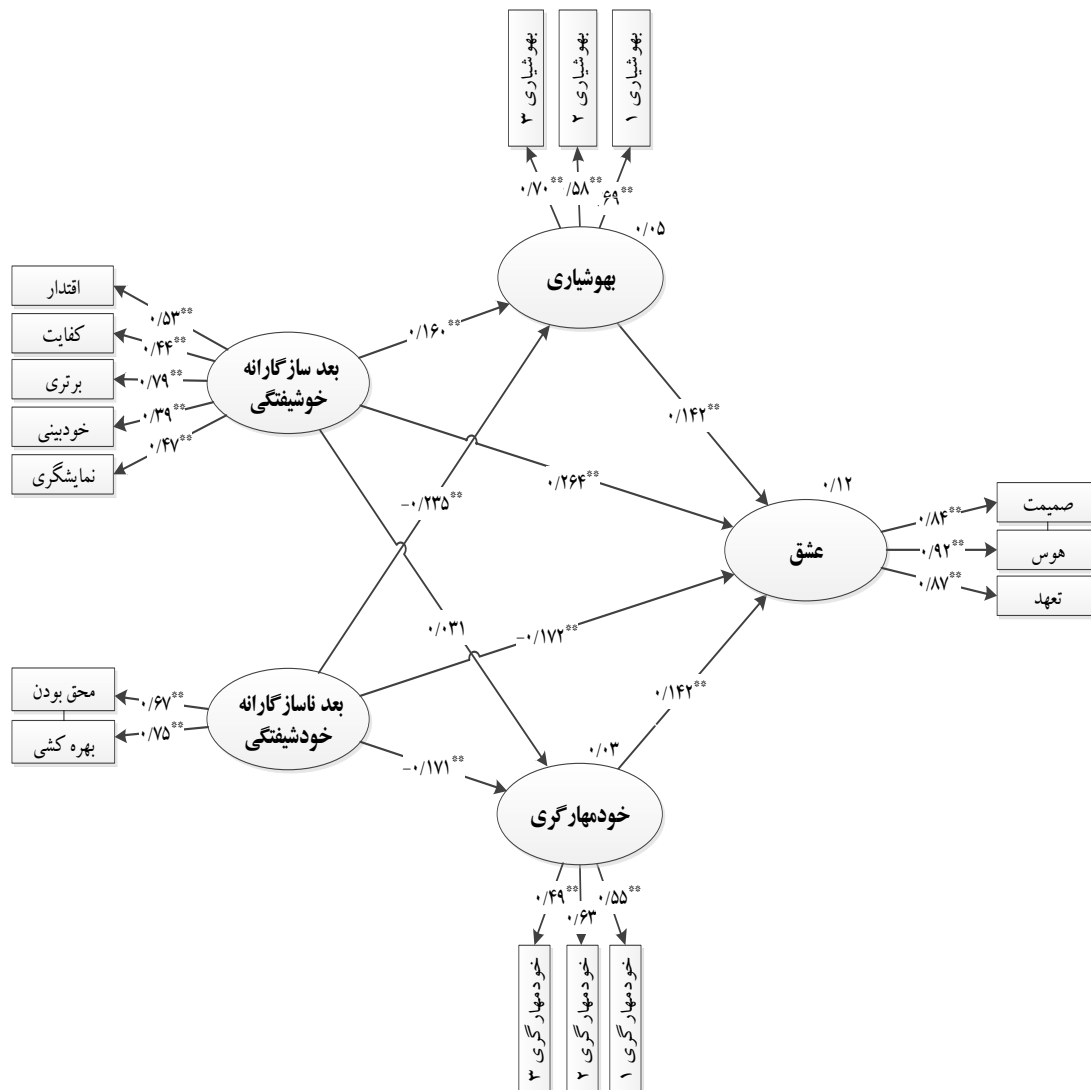
** P<۰/۰۱ ، * P<۰/۰۵

خودمهاری نیز منفی و معنی دار بود (ضریب رگرسیونی استاندارد شده = -۰/۱۷۱ ، P< ۰/۰۱). در حالی که بعد سازش یافته خودشیفتگی بر خودمهاری اثر معنی دار نداشت (ضریب رگرسیونی استاندارد شده = ۰/۰۳۱ ، P> ۰/۰۵). اثر مستقیم بهبودیاری (ضریب رگرسیونی استاندارد شده = ۰/۱۴۲ ، P< ۰/۰۱) و خودمهاری (ضریب رگرسیونی استاندارد شده = ۰/۱۴۲ ، P< ۰/۰۱) بر عشق مثبت و معنی دار بود. بعد سازش یافته خودشیفتگی نیز به طور مستقیم بر عشق اثر مثبت معنی داری داشت (ضریب رگرسیونی استاندارد شده = ۰/۲۶۴ ، P< ۰/۰۱). همانطور که انتظار می رفت بعد سازش نیافته خودشیفتگی به طور مستقیم بر عشق اثر منفی معنی دار

همانگونه که مشاهده می شود متغیرهای درونزا شامل عشق (t2=۰/۱۲)، بهبودیاری (t2=۰/۵) و خودمهاری (t2=۰/۳) به شکل معنی داری توسط متغیرهای درون مدل تبیین شدند. باید توجه داشت که میزان واریانس تبیین شده به ویژه درباره بهبودیاری و خودمهاری بسیار پایین (و البته معنی دار) است. بر اساس ضرایب بدست آمده، اثر مستقیم بعد سازش یافته خودشیفتگی بر بهبودیاری (ضریب رگرسیونی استاندارد شده = ۰/۱۶۰ ، P< ۰/۰۱) مثبت و معنی دار است. بهبودیاری همچنین از بعد سازش نیافته خودشیفتگی اثر منفی معنی دار پذیرفت (ضریب رگرسیونی استاندارد شده = -۰/۲۳۵ - P< ۰/۰۱ ، اثر مستقیم بعد سازش نیافته خودشیفتگی بر

(ضریب رگرسیونی استاندارد شده = $-0/058$ ، $P < 0/01$). این یافته نشان می‌دهد که رابطه بین ابعاد خودشیفتگی با عشق از طریق نقش میانجی اعمال می‌شود. همچنین ابعاد خودشیفتگی به طور مستقیم نیز بر عشق اثر دارند. شکل ۱ نشان دهنده مدل ساختاری برازش یافته است.

داشت (ضریب رگرسیونی استاندارد شده = $-0/172$ ، $P < 0/01$). با وجود معنی‌داری اثرات مستقیم ابعاد سازش‌یافته و سازش‌نیافته خودشیفتگی بر عشق، رابطه غیرمستقیم نیز وجود داشت. اثر غیر مستقیم بعد سازش‌یافته خودشیفتگی بر عشق مثبت و معنی‌دار بود (ضریب رگرسیونی استاندارد شده = $0/027$ ، $P < 0/01$) و بعد سازش نیافته خودشیفتگی به طور غیرمستقیم بر عشق اثر منفی داشت



شکل ۱. مدل ساختاری برازش یافته

ابعاد سازش یافته و اثر منفی ابعاد سازش‌نیافته بر عشق‌ورزی و همچنین سنجش نقش واسطه‌ای سازه‌های خودنظم‌بخش بهوشیاری و خودمهارگری بود. همانطور که در مدل این پژوهش نشان داده شده ابعاد سازش یافته خودشیفتگی بر عشق تأثیر مستقیم دارند که این نتیجه همسو با یافته‌های واتسون و دیگران (۱۹۸۸) است که در راستای ارتباط ابعاد سازش یافته خودشیفتگی با سلامت روان می‌باشد، چرا که عشق ورزی و ظرفیت آن یکی از ملاک‌های

بحث و نتیجه‌گیری

بیشتر نظریه پردازان اشاره کرده‌اند که خودشیفتگی هم شکل بهنجار و هم شکل بیمارگونه دارد که به صورت سازمان‌بندی شخصیت، نیازهای روانی و سازگارهای تنظیمی سازش یافته و سازش نیافته جلوه‌گر می‌شود و موجب تفاوت افراد در مدیریت نیاز به خودافزایی و تأیید می‌گردد (کرنبرگ، ۱۹۸۴، کوهات و پینکوس، ۲۰۰۵). در نتیجه هدف این تحقیق نشان دادن اثر مثبت

انتخاب‌ها و نتایج احتمالی کرده و سپس بهترین انتخاب را داشته باشد (وینستوک، ۲۰۰۹؛ به نقل از ابراهیمی ۱۳۹۵). اخیراً برخی مطالعات نقش فرآیندهای خودشناسی را در کنار خودمهارگری ارزیابی کرده‌اند. به عنوان مثال بولین بائر (۲۰۱۲)، نشان دادند افرادی که از بهوشیاری بالایی برخوردارند می‌توانند افکار و احساسات خود را بدون نشان دادن واکنش‌های نامناسب مشاهده کنند و بنابراین هنگامی که افکار و احساسات نامطلوبی وجود دارد، توانمندی بهتری برای رفتارهای سازنده دارند.

بهوشیاری یعنی حفظ آگاهی لحظه به لحظه از موقعیت حاضر که با حالتی پذیرا و غیر قضاوتی صورت می‌گیرد (شاپیر و کارلسون ۲۰۰۹).

در مدل حاضر نیز بهوشیاری و خودمهارگری نقش واسطه‌ای را نشان داده‌اند که این نتیجه همسو با نتایج تحقیقاتی می‌باشد که در مورد نقش بهوشیاری در افزایش رابطه عاشقانه صورت پذیرفته است (یورپ و لانگر، ۲۰۰۷، وچس و کوردوا، ۲۰۰۷، بارنس و همکاران، ۲۰۰۷ به نقل از جونز و همکاران، ۲۰۱۱). در تبیین این نتایج می‌توان گفت افرادی که دارای بهوشیاری بیشتری هستند روابط رمانتیک و عاشقانه خود را به طور مثبت‌تری ارزیابی می‌کنند. همچنین این افراد دارای ارتباطاتی هستند که از نظر هیجانی و رفتاری در سطح پایین‌تری از منفی‌گرایی قرار دارند و در نتیجه این سازه در سازگاری و توافق در روابط عاشقانه نقش مهمی را ایفا می‌کنند. ارتباط مثبت بین بهوشیاری و هیجان‌پذیری مثبت و نیز ارتباط برعکس آن با هیجان‌پذیری منفی نشان می‌دهد که افراد با بهوشیاری بالا در یک ارتباط عاشقانه و رمانتیک کم‌تر احتمال دارد با فقدان تناسب در تسلط و غلبه هیجان‌پذیری منفی را تجربه کنند که پیش‌بینی کننده نارضایتی و انحلال روابط صمیمی زوجین می‌باشد (بارنس و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین نتایج تحقیقات تابخنی و همکاران (۲۰۰۴) نشان دهنده نقش مؤثر خودمهارگری در سازش یافتگی روانشناختی و روابط بین فردی مطلوب‌تر، می‌باشد. اما در تبیین میزان واریانس پایین بهوشیاری و خودمهارگری در نقش واسطه‌ای بین ابعاد خودشیفتگی با عشق می‌توان به دو مطلب اشاره نمود: پیچیدگی مفهوم عشق و اثرپذیری آن از متغیرهای متعدد و همچنین غیر شناختی بودن مؤلفه اشتیاق که در پرسشنامه عشق استبرگ یکی از سه مؤلفه عشق، در کنار صمیمیت و تعهد، می‌باشد و ارتباط بسیار بالایی با عشق مورد سنجش در پرسشنامه عشق استبرگ داشته و به صورت یک عامل ناخودآگاه

سلامت‌روان می‌باشد (فریود، ۱۹۱۴) لذا با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان ابعاد سازش یافته خودشیفتگی را پتانسیلی در نظر گرفت که در سلامت‌روانی دخالت دارد و همسو با نظر ترومپتر و همکاران (۲۰۰۸) مبنی بر تأثیر مثبت نارسیسیزم سالم برای دست‌یابی به اهداف و پیش‌بینی سلامت‌روانی قرار می‌گیرد.

همچنین در مدل پیشنهادی مشخص است که ابعاد سازش نیافته (محقق بودن و بهره‌کشی) به صورت منفی بر عشق تأثیر مستقیم می‌گذارند. خود نایمن و چندگانه به عبارتی نارسیسیزمی که سازش نیافته باشد خصیصه‌هایی نظیر بزرگ جلوه دادن خود و جستجوی قدرت را نشان می‌دهد و به عنوان حفاظتی در برابر احساس ناکارآمدی عمل می‌کند (کرامر و دیگران، ۲۰۰۸). فاکتور بهره‌کشی و محقق بودن ارتباط با سازش نیافتگی را پیش‌بینی می‌کنند (واتسون و دیگران، ۱۹۸۴).

این نتیجه تأیید کننده این مطلب است که نارسیزم ناسالم با فقدان عشق موضوع همراه است (راسل، ۱۹۸۵). در نتیجه به نظر می‌رسد در شواهد پژوهشی متعددی که ارتباط منفی بین خودشیفتگی با عشق و ارتباطات عمیق و صمیمی را نشان داده‌اند (چن و دیگران، ۲۰۰۴، کریگ، ۲۰۰۳؛ به نقل از سات ۲۰۰۶، تانچاس رینون و دیگران، ۲۰۰۷، صادقی، ۱۳۸۹) ابعاد سازش نیافته، به صورت بیشتر مشهود بوده است.

چرا که کرنبرگ معتقد است در خودشیفتگی سالم، روابط موضوعی پرباری در نتیجه روابط موضوعی خوب شکل داده می‌شود (راسل، ۱۹۸۵).

کوهوت معتقد است "خود" می‌تواند در طول زندگی که تجربیات لازم برای تحسین شدن و تحسین کردن فراهم می‌شود تحول یابد (واتسون دیگران، ۲۰۰۲). همچنین ایگو می‌تواند نیروگذاری خودشیفته (به صورت سازش نیافته) را خنثی کرده آنها را برای اهداف عالی‌تری به کار گیرد (کوهوت، ۱۹۷۱؛ به نقل از واتسون، ۱۹۸۴). در نتیجه با عنایت به مطلب ذکر شده نقش فرآیندهای "خودنظم‌دهی" مانند "بهوشیاری" و "خودمهارگری" که نشان دهنده خود قوی‌تر می‌باشد، در این مسیر مشخص و بارزتر خواهد شد. در تعریف کلی خودنظم‌دهی منظور بازگرداندن "خود" به مسیر استانداردهای ترجیحی گفته می‌شود (وهس و بامستر، ۲۰۰۴). خودمهارگری نیز یعنی فرد کنترل رفتارها، احساسات و غرایز خود را با وجود برانگیخته شدن، دارا باشد. و زمانی را صرف، فکر کرن به

- مسلمی، ندا و حسینی، مالک (۱۳۹۰). عشق از نظر هری گوردون فرانکوفورت. *جستارهای فلسفی*، ۲۰، ۴۷-۶۲.
- نوری، اسماعیل (۱۳۹۴). *تأملی بر خودشیفتگی و شناخت شخصیت خودشیفته*. تهران: انتشارات ارجمند.
- A.L. (2003). Interpersonal analysis of grandiose and vulnerable narcissism. *Journal of personality disorders*, 17(3), 188-207.
- Bowlin, S.L., Baer, R.A. (2012). Relationships between mindfulness, self_control, and psychological functioning. *Personality and Individual Differences*, 52(3), 411-415.
- Cherry, M.G., Fletcher, o., & osullivan, H. (2013). exploring.the relationships among attachment, emotional intelligence and communication. *medicaleducation*, 47(3), 317-325.
- Constantine, Sedikides, W. Campbell, k. (2017). Narcissistic force meets systemic resistance. *The energy clash model perspective on psychological science*, 112(29)1121-1136.
- Faster, J.D and camp bell, w.k. (2005). Narcissism and resistance to doubts about romantic partners. *Journal of research in personality*, (39). 550-557.
- Foster, J.D; Hibbert, M.F; Brunell A.B. (2015). Facet_level. Measure of Grandios Narcissism. *Personality and Individual differences*, (73).12-16.
- Horney,.h. (1939). *Our inner conflicts*. New York. Norton.
- Horowitz, L. M; Rosenberg, S.E. Baer, B, A; Ureno, G; and Villasenor, V.S. (1988). Inventory of Interpersonal problem: psychometric properties and clinical applications. *Journal of Consulting and clinical psychology*, 12(35), 885-822.
- Jones, K.C.; welton, S.R., oliver, T.C., and Thoburn, Y.W. (2011). Mindfulness, spousal Attachment and marital satisfaction: A mediatead Model the *family journal*, 19, 357, 361
- Kernberg, o.f. (1984). *Borderline conditions and pathological narcissism*. New York: jason Aronson.
- Pincus, A.L., and lukowitsky.M.R. (2010). Pathological narcissism and narcissistic personality disorder. *Annual Review of clinical psychology*, 6, 421- 446.
- Pincus, A.L., Ansell, E.B., Pimentel, C.A, cain, N.M; wright, A.G., and levy, K.N. (2009). Initial construction and validation of the pathological Inventory. *Psychological assessment*, 21(3), 365.
- Russell, G.A. (1985).Narcissism and the narcissistic personality disorder: A comparison of the theories of Kornberg and kohut. *British journal of medical psychology*. 58 (2), 137-184.
- Shapiro, S.L and canlson, L.E. (2009). *The art and science of mindfulness: Integrating mindfulness into psychology and the helping professions* Washington DC. American psychological Association.
- South, S.C. Virginia, v. (2006). *Personality pathology Assessed by self and other Report: Implication for Marital satisfaction and conflict –unpublished work*. A Dissertation for the Degree of Doctor of philosophy. University of Virginia.

و غی ارادی عمل می کند و در نتیجه از سازه های خودنظم بخش اثر کمتری می پذیرد. متأسفانه در این پژوهش مجالی برای تفکیک هشت نوع عشق معرفی شده در نظریه عشق سه وجهی استبرگ وجود نداشت و عشق به صرت کلی در نظر گرفته شد که این یکی از محدودیت های موجود در این تحقیق به شمار می آید که به دلیل سایر اهداف پژوهشی این تحقیق بوجود آمد و پیشنهاد می شود که در سایر پژوهش هایی که در این زمینه صورت می گیرد مورد توجه قرار گیرد. همچنین پیچیدگی و عمق سازه عشق در روانشناسی موجب می شود، متغیرهای متعددی با آن در ارتباط قرار بگیرند. اگر بخواهیم چه به قصد شناسایی و چه به هدف سنجش میزان اثر آنها بر عشق در یک پژوهش اقدام به بررسی تمامی آنها نماییم، امری غیر ممکن خواهد بود زیرا به لحاظ علمی فرآیند انجام روشی استاندارد و معتبر را رعایت نکرده ایم و این امر از دیگر محدودیت های تحقیق حاضر بود. لذا پیشنهاد می شود سایر عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر عشق در پژوهش های بعدی مورد توجه قرار گیرند.

منابع

- ابراهیمی، فاطمه (۱۳۹۵). *بررسی رابطه بین سازه های خودنظم بخشی اضطراب و افسردگی با بازداری شناختی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی، دانشگاه تهران.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۸). *بررسی قابلیت اعتماد، درستی و تحلیل عاملی فرم ۶۰ سؤالی مقیاس مشکلات بین شخصی در جمعیت ایرانی*. *روانشناسی معاصر*، ۸، ۳۶-۲۵.
- حشمتی، رسول؛ زمانی راد، نسرین و ستایشی، محمد (۱۳۹۶). مدل یابی معادلات ساختاری تعیین گره های درد مزمن - نقش طراحواره های ناسازگارانه اولیه و بهوشیاری زمینه ای. *فصلنامه علمی - پژوهشی بیهوشی و درد*، ۸(۲)، ۴۴-۳۴.
- سرافراز، مهدی رضا (۱۳۹۲). *نقش پیش بینی خودشناسی انسجامی، خودمهارگری و بهوشیاری در تنظیم استرس و واکنش های قلبی و عروقی*. رساله دکتری، دانشکده روانشناسی، دانشگاه تهران.
- سعیدی، ضحی؛ قربانی، نیما؛ سرافراز، مهدی رضا و ذبیحی، عاطفه (۱۳۹۶). *سلامت روانشناختی و جسمانی: نقش تعدیل کننده ی سرکوبگری و بهوشیاری*. *روانشناسی سلامت*، ۳۴، ۸۶-۶۹.
- صادقی، سیما (۱۳۸۹). *بررسی تأثیر اختلالات شخصیت بر سازگاری زناشویی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی، دانشگاه تهران.
- قربانی، نیما (۱۳۹۴). *سبک ها و مهارت های ارتباطی*. تهران: بیش نو.

- Sternberg, R. (1986). *The Triangular Love scale, Tire de the Triangle of Love*. Intimacy, passion commitment.
- Tanchosrinon, P. Maneesri, K. & camphell, w.k. (2007). Narcissism and romantic attraction: evidence from a collectivistic culture. *Journal of research in personality*, (41), 723-730.
- Tangney, Y.P; Baumeisten, R.F; and Boone, A.L. (2004). High self-control predicts good adjustment less pathology better grades and inter personal success. *Journal of personality*, 72, 271-322.
- Trumpeter, N. Watson, P.J. and o leary, B. (2008). Factors within multidimensional perfectionism scales: complexity of relationships with self-esteem Narcissism, self-control, and self-criticism. *Personality and individual differences*, 41, 849-860.
- Vohs, K.D. & B aumeister, R.F. (2004). *Understanding self_Regulation Handbook of self_Regulation*. New York: The Guilford press.
- Watson, P.J., Mckinney, J., Hawkins, C.; and Morris, R.J. (1988). Assertiveness and narcissism. *Psychotherapy*, 25, 125-131.
- Watson, P.J. sawire, S.M. Green, R.L. and Arredendo R. (2002). Narcissism and depression: MMPI-2 evidence for the continuum for hypothesis in clinical samples. *Journal of personality Assessment*, 79(1), 85 -109.
- Watson. P.J. Grisham, S.D Trotter. M.V, and Biderman, M.D (1984). Narcissism and empathy: validity evidence for the narcissistic personality Inventory. *Journal of personality Assessment*, 48(3), 301- 305.